

## ارتباط اندیشه‌های زیباشناختی با ساخت فضاهای شهری (نمونه موردی: میدان نقش جهان اصفهان و میدان سنت پیتر رم)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۸/۰۱/۲۷

عباس دمرچلی (دکترای شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)  
نوید سعیدی رضوانی\* (استادیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)  
سید محمدرضا خطیبی (استادیارگروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران)

### چکیده:

زیباشناسی در شهرسازی و معماری از جمله موضوعاتی است که اندیشه شهرسازان و معماران را به خود مشغول نموده است. برداشت‌های متفاوت در زمینه زیباسازی فضاهای شهری، علاوه بر بالا بردن هزینه‌های شهر، سبب بروز یک سردرگمی در این حوزه شده است. اینکه زیباشناسی در شهرسازی از کدامین منابع می‌تواند بهره‌مند گردد، این سؤال اصلی را مطرح می‌کند، که "چگونه می‌توان بین اندیشه‌های زیباشناختی و ساخت فضاهای شهری در دوره‌ای خاص تاریخی مشترکاتی را کشف نمود"؟ و فرضیه پژوهش نیز بر اساس سؤال اصلی مطرح می‌شود: "بین اندیشه‌های زیباشناسی با ساخت فضاهای شهری ارتباط وجود دارد". برای مطالعه موردی در این مقاله، گرایش‌های نظریه‌پردازان در امر زیباشناسی در یک دوره (دوران صفویه و رنسانس اروپا) با تکیه بر تحلیل میدان نقش جهان اصفهان و میدان سنت پیتر رم انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند و سپس انطباق ویژگی‌های زیباشناسانه آن نظریه‌ها نسبت به کالبد دو میدان یادشده، با روش تحلیل کیفی-تاریخی و کمی و با استفاده از پرسشنامه و مطالعات کتابخانه‌ای ارزیابی شده است. با نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها و یافته‌ها، ارتباط ملموسی بین اندیشه‌های زیباشناسی و ساخت فضاهای شهری طراحی شده در هر دو میدان به عنوان نمونه مشاهده شده است و مهمتر اینکه زیباسازی فضاهای شهری، مستلزم برخورداری از پشتوانه اندیشه‌های فلسفی و زیباشناسی، همچنین یک جنبش عمومی هنرمدارانه در ساخت فضاهای شهری می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** زیباسازی شهری، صفویه، رنسانس، میدان نقش جهان، میدان سنت پیتر

## مقدمه

عده‌ای بر این عقیده‌اند که زیباشناسی در شهرسازی و معماری از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به عنوان بخشی مهمی از درک و کنش شهروندان محسوب می‌شود (Madanipour, 2014:240). با توجه به مشکلاتی از قبیل ترافیک، آلودگی و... آیا موضوع زیباشناسی می‌تواند از اهمیت برخوردار باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، بنابراین فضاهای عمومی شهری بر اساس کدام معیارهای زیباشناسانه لازم است طراحی شود؟ نکته دیگر اینکه، مدرنیزم مفهوم زیباشناسی را به زیباشناسی فرمالیسم، که در قید و بند مسائل ظاهری، سطحی و فردی است تغییر داده (Lukacs, 1995) و این وضعیت سبب شده است که برخی فضاهای عمومی شهری بدون پشتوانه تفکر زیباشناسانه، صرفاً با نیت زیباسازی سطح شهر و با صرف هزینه‌های گزاف، تزئین شوند در حالی که با معیارهای مبتنی بر "علم زیباشناسی" سطحی و ظاهری تفسیر می‌گردند (Desmet, 2004).

حال با طرح چنین مسئله‌ای، **سؤال اصلی تحقیق مطرح می‌گردد:** تفکر زیباشناسانه در شهرسازی و معماری چیست و چگونه می‌توان بین اندیشه‌های زیباشناسی و ساخت فضاهای شهری، مشترکاتی بین آنها در یک دوره تاریخی معین کشف نمود؟ به صورت موردی و ملموس‌تر: چه رابطه‌ای بین اندیشه‌های دوران رنسانس و هم‌دوره آن در اصفهان با فضاهای شهری ساخته شده (میدان نقش جهان اصفهان و میدان سنت پیتر در رم) وجود دارد؟ با توجه به سؤال تحقیق و برای هدایت پژوهش در مسیری منطقی، فرضیه ذیل مطرح می‌شود:

- بین اندیشه‌های زیباشناسی (دوران صفویه و رنسانس) با ساخت فضاهای شهر (آن دوره) ارتباط وجود دارد.

**متغیر مستقل:** نظریه‌های زیباشناسی (دوره صفویه و رنسانس)

**متغیر وابسته:** فضاهای عمومی شهری (دوره صفویه، میدان نقش جهان اصفهان و دوره رنسانس، میدان سنت پیتر رم)

**پیشینه تحقیق:** زیباشناسی در راستای تفسیر "علم زیباشناسی" استتیک برای نخستین بار توسط آلکساندر باومگارتن<sup>۲</sup> در قرن هجدهم به کار برده شد (Benedetto, 2010). هرچند نظریه‌های متعددی در خصوص زیباشناسی توسط هنرمندان و فیلسوفان مشهور مانند آبرتی، داوینچی، میکلانجو، رافائل، جورجونه، ملاصدرا و شیخ بهایی در دوره

<sup>1</sup> Aesthtic

<sup>2</sup> Alexander Gottlieb Baumgarten

رنسانس مطرح شده است. در دوران معاصر نیز گروتیورک<sup>۱</sup>، همایون عالمی، سید حسین نصر، نادر اردلان و لاله بختیار که به مقوله زیباشناسی در شهرسازی با ماهیت عرفانی در توصیف و تحلیل فضای شهری مکتب اصفهان سخن گفته‌اند.

زها حدید<sup>۲</sup> معمار معروف عراقی، ابداع‌گری ژرفی در بحث زیباشناسی مطرح و آن به نحوه دیدن بنا و فضاهای شهری مردم و تربیت بصری آنان مرتبط می‌نماید. نوربرگ شولتز<sup>۳</sup> ظهور هر معنا را با مکانی خاص مرتبط دانسته و شخصیت مکان را در معنای زیباشناسانه آن در مسیر تاریخ تفسیر می‌کند. کورت گروتز<sup>۴</sup> زیباشناسی در شهرسازی را دارای پیام‌های نهفته می‌داند. کامیلیوزیته<sup>۵</sup> منشاء شهرسازی را در اصل هنری دانسته و شهرسازی مدرن را بر خلاف شهرسازی دوره رنسانس عاری از انگیزه‌های زیباشناسانه هنری تعریف می‌کند. ارنولد ویتیک<sup>۶</sup> مظاهر زیبایی شهری را میدان‌ها، خیابان و نمای عمومی نام می‌برد و محصوریت میدان را نیز به عنوان ویژگی برتر زیبایی آن پیشنهاد می‌نماید و سایر منابع خارجی و داخلی که هریک در موضوع خاصی در حوزه زیباشناسی به مفهوم فلسفی و هنری یا شهرسازی و معماری تحقیقاتی را با نگاهی متفاوت با این مقاله انجام داده‌اند. به دلیل پیچیده‌گی موضوع، در انتخاب چارچوب نظری، و تعریف مفهوم زیبایی با محدودیت‌های متعددی مواجه‌ایم و برای گریز از آن، ناچار به استفاده از چارچوب تئوریک منعطف و تئوری‌های هم‌جوار می‌باشیم به گونه‌ای که با ادغام تئوری‌ها بتوان بین مسئله و تئوریها ارتباط منطقی برقرار گردد (Rafipour, 2004).

همچنین مفهوم زیبایی امری فرهنگی و فلسفی است. انسان تجارب زیباشناسی خود را در اجتماع بازنمایی می‌کند و برای فهم و تفسیر محیط خود به روایت‌های شخصی روی می‌آورد (Lukacs, 1995). از سویی، بسیاری از اندیشمندان معتقدند، زیباشناسی در شهرسازی گرایشی است اجتماعی (Bahraini & Khosravi, 2015). برخی اندیشمندانی نیز زیبایی را فراتر از این دو حالت تفسیر نموده و اعتقاد دارند که تنها آن چیزی می‌تواند زیبا باشد که با لایتناهی و ربوبیت نسبتی داشته باشد (Wellek, 2010: 27)، کوتبرد<sup>۷</sup> زیبایی را ترکیبی از کیفیاتی نظیر شکل، رنگ و فرم که موجب خشنودی حواس

<sup>1</sup> Jorg Kurt Grutter

<sup>2</sup> Zaha Hadid

<sup>3</sup> Nurberg Shulz

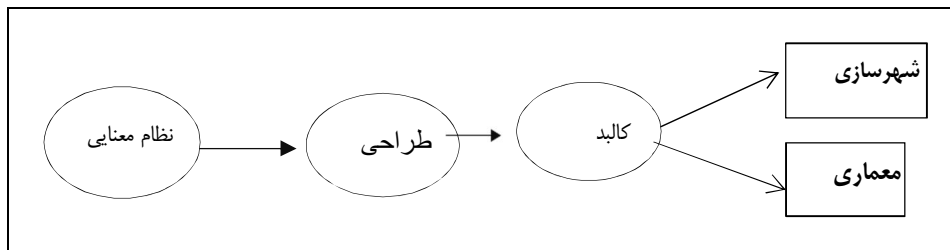
<sup>4</sup> George Grutter

<sup>5</sup> Camillo Sitte

<sup>6</sup> Arnold Whitik

<sup>7</sup> Cuthbert

می‌شود تعریف می‌کند (Cuthbert, 2006). اسکراتن، نیز "زیبایی" را عمیق‌ترین مفهومی می‌داند که انسان با آن سروکار دارد (Scruton, 2001)، با توجه به تعاریف مختلف از مفهوم امر زیبا، می‌توان چارچوب نظری این مقاله را، تلفیقی از نظرات کوین لینچ در خصوص برداشت ذهنی از مکان، راب کریر در خصوص نقش میدان، جان لنگ و نوربرگ شولتز در خصوص معنای مکان و نظریه دسمت و نورمن در خصوص سطوح زیباشناختی از مکان، در نظر گرفت. از نظر کوین لینچ عوامل سیمای شهر به گونه‌ای جمعی بر ذهن بیننده اثر می‌گذارند و تصویری و ادراکی را در ذهن او ایجاد می‌کنند که به ادراک زیبایی شناسی مرتبط است (Lynch, 2002)، راب کریر با تأکید بر نقش خیابان و میدان، زیبایی را با سرزندگی مترادف می‌داند. جان لنگ<sup>۱</sup>، کیفیت فضاهای باز را در تجربه مردم حیاتی دانسته و شخصیت یک میدان را مرتبط به ساختمان‌های محصور کننده آن، فعالیتها، کاربری‌های متنوع و طراحی آن می‌داند. از نظر وی آنچه عمر زیبایی یک پدیده را افزایش می‌دهد همراهی آن با معانی است که با عمق بیشتری به روان ما نفوذ می‌کند تا به زیبایی ماندگار تبدیل گردد (لنگ، ۱۳۸۶). نوربرگ شولتز<sup>۲</sup> کیفیت حضور مردم را در زیبا آرایی مکان مهم می‌داند، یعنی اینکه چگونه معناها به واسطه رخدادها در کالبد شهر آشکار می‌شوند. هر فرد درون نظامی معنایی زاده می‌شود که آن نظام معنایی از طریق مظاهر نمادینش (کالبد) به فهم آدمی در می‌آید (Schulz, 2013).



شکل ۱. رابطه نظام معنایی با شهرسازی و معماری. منبع: نگارنده

دسمت<sup>۳</sup> و نورمن<sup>۴</sup> سه سطح برای ارزش‌های زیبا شناختی قائل هستند: زیبایی سطحی، که اولین و فوری‌ترین سطح شناخت است و از ظواهر، صورت‌ها حاصل می‌گردد. زیبایی لایه‌های میانی، که مربوط به حوزه کارکرد و تعامل انسان با محیط است و روان

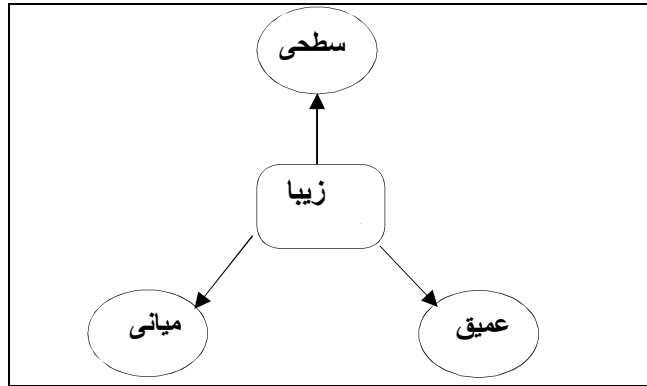
<sup>1</sup> Jon Lang

<sup>2</sup> Norberg Schulz Christian

<sup>3</sup> Desmet P.M.A.

<sup>4</sup> Norman Donald A.

آدمی را به فعالیت وا می‌دارد. (Desmet & Norman, 2004). زیبایی عمیق و جاودانه که در عمیق‌ترین لایه روان آدمی جای گیرد (Grutter, 2016).



شکل ۲. سطوح زیبایی. منبع: دسمت و نورمن

### روش پژوهش

در پژوهش‌های شهرسازی و معماری، روش تحقیق عمدتاً بر اساس روش کیفی است که تأکید بر "تفسیر و معنا" دارد (Grutter, 2016:177). روش تحقیق در این مقاله، روش تحلیل "کیفی-تاریخی-تحلیلی" آمیخته‌ای از جمع‌آوری اندیشه‌های مهم زیباشناسی در دوره صفویه و رنسانس، استخراج ویژگی‌ها و کلمات کلیدی آن اندیشه‌ها، طبقه‌بندی آنان و انجام مصاحبه با "متخصصین و افراد عادی" در قالب پرسشنامه‌هایی است که با استفاده از فرمول کوچران و توسط ناظرین در فضای میدان نقش جهان به شرح ذیل تکمیل شده است. در اینجا، افراد متخصص، افرادی را شامل می‌شود که دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر در رشته‌های هنر، معماری و شهرسازی می‌باشند:

**برای جمع‌آوری یافته‌های کمی**، با توجه به تعداد کثیر بازدیدکنندگان و به دلیل محدودیت‌های خاصی که در تعیین نمونه برای نظر سنجی از حاضرین در میدان وجود داشت، جامعه آماری ما بر طبق فرمول کوچران، ۲۷۷ نفر تعیین شدند. بنابراین، جمعیت اصلی ۱۰۰۰ نفر تعیین گردید که از میان آنان ۲۷۷ نفر با محاسبه فرمول ذیل انتخاب، سپس پرسشنامه‌ها بین آنها توزیع گردید:

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = 277$$

$$n = \frac{\frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{1000} \left[ \frac{1.96^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1 \right]} = 277$$

N= تعداد جمعیت اصلی ۱۰۰۰ نفر

n= جمعیت نمونه شامل افراد عادی و متخصص ۲۷۷ نفر

q= احتمال نامطلوب = 0.5

p= احتمال مطلوب یا ممکن = 0.5

t= سطح اطمینان

d= بازه اطمینان

درگام نخست پژوهش، متغیر مستقل (اندیشه‌های فلسفی و زیباشناختی) و متغیرهای وابسته (مکان، محصوریت و...) انتخاب شدند. در گام بعدی، از پاسخگویان سئوالاتی مطرح شد و از آنها درخصوص برداشت و حسی که از مکان دارند مصاحبه در قالب پرسشنامه به عمل آمد و سپس متغیرهای مستقل و وابسته مورد ارزیابی قرار گرفتند. واریانس‌های مکان، نما، محصوریت و... به ترتیب ۶، ۵، ۷ به دست آمدند. از طریق فرمول کروباخ حداقل ضریب اطمینان متغیرها نیز عدد ۰,۷ بدست آمد. این بدان معنی است که اطمینان نسبتاً بالایی در بین ضرایب متغیرها وجود دارد.

$$a = \frac{k}{k} - 1(1 - \sum s i^2 / st^2)$$

$$a = \frac{3}{2} (1 - \sum 17 \frac{1}{3} \frac{7}{2}) = 0.7$$

جدول ۱. متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای مستقل	اندیشه‌های فلسفی	حس زیباشناسی
	حس تعلق	باز آفرینی خاطره‌ها
متغیرهای وابسته	مکان (میدان نقش جهان)	محصوریت
	ابعاد هندسی، نظم فضایی	هماهنگی اجزاء

مأخذ: نگارندگان

بنتلی و همکاران (Bently.1985)، در مطالعات خود نشان داده‌اند که هرچه حس تعلق به یک مکان بیشتر باشد، باز آفرینی خاطره‌ها پر رنگتر و پیوند بین انسان و مکان از نظر عاطفی و روحی عمیق‌تر می‌گردد. در این مقاله نیز با تحلیل پاسخ‌های مستخرج از پرسشنامه، و استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، تلاش گردیده تا همبستگی احتمالی بین متغیرهای مستقل و وابسته کشف گردد. لذا پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تحلیل آماری پاسخ‌های پاسخ‌دهندگان، و با درجه سطح معنی ۰,۰۵ مشخص گردید که بین متغیرهای مستقل و وابسته یک نوع همبستگی معنا داری وجود دارد.

جدول ۲. تحلیل داده‌های آماری همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

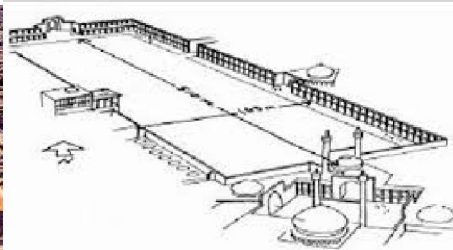
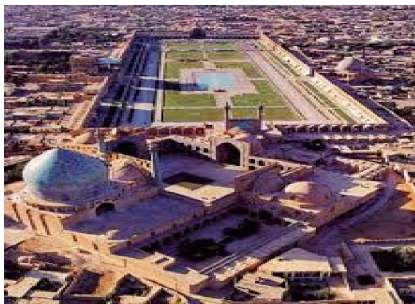
متغیرهای مستقل	اندیشه‌های فلسفه زیباشناختی	حس زیباشناسی	بازآفرینی خاطره‌ها
ضریب همبستگی	۷۴	۶۱	۵۳
سطح معنادار بودن آزمون	۰۰۰	۰۰۴	۰۰۲
تعداد مصاحبه شوندگان با پرسشنامه	۲۷۷	۲۷۷	۲۷۷

مأخذ: نویسندگان

همان‌گونه که از جدول فوق مشاهده می‌شود ضریب همبستگی در ارتباط با متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته بزرگتر از صفر بوده و سطح معنی‌دار بودن آزمون نیز کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد. بنابراین رابطه نسبتاً قوی بین اندیشه‌های فلسفی، حس تعلق، بازآفرینی خاطره مکان به عنوان متغیرهای مستقل با مکان با ضریب ۰,۷۴ وجود دارد.

### محدوده مورد مطالعه (میدان نقش جهان اصفهان)

میدان نقش جهان اصفهان در سال ۱۶۳۶ میلادی توسط دو معمار بزرگ ایرانی به نام‌های استاد محمدرضا اصفهانی و استاد علی اکبر اصفهانی طرح‌ریزی و ساخته شده است.

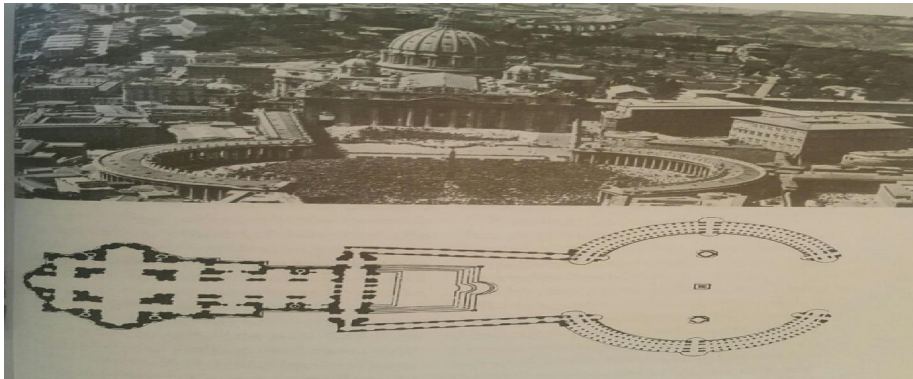


شکل ۳. سایت پلان میدان نقش جهان اصفهان. منبع: اهری

در چهار طرف میدان نقش جهان، چهار عنصر معماری شامل "مسجد تاریخی امام، مسجد شیخ لطف الله، عمارت حکومتی عالی قاپو و سر در قیصریه و عمارت نقاره‌خانه" ساخته شده است.

## میدان سنت پیتر در رم ایتالیا

میدان و کلیسای سنت پیتر در سالهای بین ۱۶۵۶ تا ۱۶۶۷ میلادی توسط جان لورنزو برنینی<sup>۱</sup> ساخته شد. طول میدان ۳۲۰ متر و عرض آن ۲۴۰ متر می‌باشد که توسط ۲۸۴ ستون با ارتفاع ۲۰ متر احاطه شده است. (Benevolo, 2016)، از نظر تاریخی، اصولاً شکل اولیه میدان از آگورای یونانی و فوروم رومی منشاء گرفته است و از نظر زیباشناسی، میدان بیشترین تکامل را در ایتالیای دوره رنسانس به صورت پیازا (Piazza) به خود دیده است.



شکل ۶. میدان سن پیتر رم (پطروس قدیس و پلان مجموعه). منبع: تاریخ معماری رنسانس. بنه ولو

## یافته‌ها و بحث

تبیین زیباشناسی دوره رنسانس و دوران صفویه: میدان سنت پیتر - میدان نقش جهان

در ابتدای دوره رنسانس و با حضور "خانواده‌های ثروتمند هنردوست" و ظهور "طبقه متوسط شهری"، دولت شهری بسیار ثروتمند، هنردوست برای رسیدگی به وضعیت شهر و زیبایی آن، اعتلاء هنر و نهضت زیبا سازی فضاهای عمومی شکل گرفت (Sitte, 2010). نمود عینی چنین تحولی در عناصر زیباسازی شهری در میدان سنت پیتر (شکل شماره ۶)، قابل مشاهده است. در میدان سن پیتر تعداد ۱۴۰ مجسمه مقدسین که بر بالای ستون‌های آن ساخته شده‌اند مثل‌های جاودانی کاملاً واضح و نمادین در این خصوص هستند که در فرم‌های دنیوی بازتاب دارند. جهت ایجاد هماهنگی کالبد با نگرش زیباشناسانه فیلسوفان، با استفاده از تمایل طبیعی آدمی به حرکت از تاریکی به روشنایی به طریق تعبیه یک منبع نور درحشان در انتهای پلکان کلیسا بیان شده است. در واقع،

<sup>1</sup> Gian Lorenzo Bernini

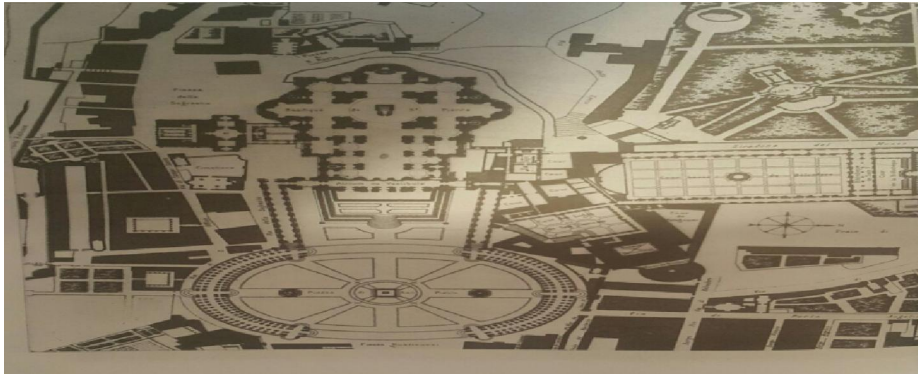


نمادهای معماری و شهرسازی میدان سن پیتر در تلاش بیان القای معنای پیروزی مسیحیت نوین در دوره رنسانس می‌باشد. در این میدان، عناصر زیبایی، اشکالی است که حقیقتی درونی را تعریف می‌کند (Scurton, 2001). در واقع زیبایی در معماری و شهرسازی در این دوره با زیبایی جسمانی پیکر انسان یکی می‌شود (Gardner, 2005) و زیبایی ابدی هر شی‌ای درون آن جای می‌گیرد (Ardalan & Bakhtiyar, 2016:35). همان‌گونه که شولتز شخصیت مکان را در معنای زیباشناسی آن در مسیر تاریخ تفسیر می‌کند، میدان سنت پیتر مانند میدان نقش جهان اصفهان، نماد وحدت توحیدی و تکثر معنی را در تاریخ به‌خوبی نشان می‌دهد. زمانی که در یکی از کانون‌های این میدان بیضی شکل می‌ایستیم به هر سو که نگاه می‌کنیم جهات برایمان معنی می‌شود (شولتز، معنای مکان). در برابر خود ستون‌هایی را می‌بینیم که بنا به باور برنینی و میکل آنژ عظمت و قدرت بی‌پایان کلیسا را می‌رسانند. ستون‌هایی که تجلی وحدت توحیدی آرمانی فلسفه رنسانس هستند.

هنگامی که ویژگی‌های فلسفی و کلید واژگان زیباشناسی دوره رنسانس "طبیعت محوری، عظمت، بزرگی، ریتم، نظم هندسی، دقت و آرمان‌گرایی"، مورد بررسی قرار می‌گیرد انطباق عجیبی بین محتوای واژگان فلسفه زیباشناسی با آثار کالبدی به‌جای مانده از رنسانس در میدان سنت پیتر و میدان نقش جهان اصفهان مشاهده می‌شود: محتوای واژگان فلسفی از اندیشه فیلسوفان، از دنیای نامحدود ذهن به قالب تاریخ، جامعه، شهر، میدان و محله می‌آید، آن را به هنری‌ترین و شیواترین شکل می‌آراید و سپس در چارچوب محدود مادی "اشکال، حجم، توده" و یا "فرم، فضا، شهرسازی، معماری" در قالب ستون‌ها و احجام خود را نشان داده و دوباره اوج می‌گیرد و در هر مرحله، خود را در "ذهن" تکامل داده و در "عین" به شکلی دیگر تغییر کرده و در اشکال، فرم‌ها و فضاهای جدیدتری ظاهر می‌شود. در دوران رنسانس در بعد فلسفی: انسان محوری، آرمانگرایی، تقلید از طبیعت، توجه به نظم، دقت و عظمت کیهانی مطرح است و در بعد اجراء: تأکید بر پرسپکتیو، تقارن، دقت، ریتم، نظم، و محاسبات ریاضی و هندسی نمود پیدا می‌کند.

بنابراین، در جهت تبیین فرضیه پژوهش و در چگونگی و چرایی زیباسازی فضای شهری، می‌توان گفت: هماهنگی کل اجزاء میدان سنت پیتر و میدان نقش جهان با یکدیگر، ریشه در متن فلسفه زیباشناسی رنسانس و مکتب صفوی دارد که مروج عقل، احساس، زیبایی و نیکویی در طراحی بوده است. همان زیبایی‌ای که برخاسته از نظام طبیعت و هستی، از هماهنگی کل اجزاء و سازگاری آنها با یکدیگر ناشی می‌شود: "زیبایی

نمونه‌ای از عالم مثل، مانند عالم مثل در مکتب الهی اصفهان و اندیشه‌های متعالی رنسانس که صرفاً واکنش ذهنی انسان نبوده و جزء ذات ویژگی عینی اشیا نیز می‌باشد" (اردلان، بختیار).



شکل ۷. پلان مجموعه میدان سن پیتر رم. منبع: تاریخ معماری رنسانس. بنه ولو.

مکتب الهی اصفهان با تأثر از شیخ بهایی و ملاصدرا همان نقشی را در شهرسازی و معماری اصفهان داشت که اندیشه‌های فیلسوفان غرب دوره رنسانس در نظام شهرسازی غرب ایفا نمود. بنا بگفته سید حسین نصر، مکتب الهی اصفهان علاوه بر وام‌گیری از فلاسفه مسلمان، از فلسفه ارسطو، افلاطون و سایر اندیشمندان غرب هم متأثر شده و فلسفه نظام یافته‌ای را ایجاد کرده است که تمام اجزاء آن بهم پیوسته و کلیت واحدی را بنام "وحدت وجود" ملاصدراپی به وجود آورده است (Nasr)، ۱۹۹۹. وحدت وجود ملاصدراپی در بسیاری موضوعات به برداشت‌های فلسفی رنسانس مشابهت دارد. اصول فلسفی ملاصدرا که الهام بخش معماران و شهرسازان در دوره صفویه و بعد از آن بوده‌اند عبارتند از: اصل وجود، اصل تکامل، حرکت جوهری و عالم مثال (Corbin, 2014).

### اصول مکتب شهرسازی اصفهان

شیخ بهایی به دستور شاه عباس در سال ۱۰۰۶ هجری قمری طرحی نو با الهام از الگوهای پیشین برای اصفهان در می‌افکند (Ahari, 2013). این الگو نشان می‌دهد که جامعه ما در عین تکرار اندیشه‌ها و گسست تاریخی، در برخی زمینه‌های اصیل مانند شهرسازی و معماری، در یک مسیر پیوسته‌ای قرار داشتند که حاکی از درک اصول فلسفی تعادل و توازن، تعادل فضایی و توازن کالبدی بوده است (Habibi, 2000). این

همان اصولی است که از نظر جان لنگ و نوربرگ شولتز و کوین لینچ روح و شخصیت یک مکان شهری را می‌سازد. این اصول، همان اصول پایه‌ای فلسفه ملاصدرا است که نوعاً در فلسفه کلاسیک یونان قدیم و رنسانس هم مشاهده می‌شود، منتهی با این تفاوت که شیخ بهایی در مقایسه با حکمت و فلسفه یونانیان، ذهن خود را بیشتر معطوف به حکمت ایمانی (برای اثر گذاری در عمیق‌ترین لایه‌های زیباشناختی انسان، تئوری و سمنت و نورمن) می‌نمود.

جدول ۳. مقایسه داده‌های مستخرج از پرسشنامه نقش جهان اصفهان (افراد عادی و متخصصین)

متخصصین	مردم عادی	سئوالات
۸۶٪ دوبار و بیشتر	۷۸٪ دوبار و بیشتر	درصد دفعات بازدید پاسخگویان از میدان نقش جهان
۷۵٪	۸۴٪	درصد پاسخگویانی که مکان موضوع تحقیق را به عنوان یک مکان زیبا در کلیت آن تایید کرده‌اند.
۹۱٪	۷۶٪	درصد پاسخگویانی که محصوریت و تاریخی بودن میدان را با زیبایی آن نسبت داده‌اند.
۸۵٪	۸۱٪	درصد پاسخگویانی که به ابعاد هندسی و نظم میدان را به زیبایی آن نسبت داده‌اند.
۹۴٪	۸۹٪	درصد پاسخگویانی که تناسب و هماهنگی اجزاء میدان را در زیبایی آن مؤثر دانسته‌اند.
۶۹٪	۷۳٪	درصد پاسخگویانی که تناسب فرم و شکل با محتوای میدان را زیبا ارزیابی کرده‌اند.
۸۸٪	۷۴٫۵٪	درصد پاسخگویانی که نمادها، و نشانه‌ها را با زیبایی میدان مرتبط دانسته‌اند.
۴۷٪	۷۳٪	درصد پاسخگویانی که پویایی میدان را در زیبایی آن مؤثر دانسته‌اند.
۹۱٪	۸۰٪	درصد پاسخگویانی که خاطره‌های خود را از میدان در برانگیختگی حس زیباشناختی مؤثر می‌دانند.
۸۹٪	۶۷٪	درصد پاسخگویانی که اندیشه‌های شیخ بهایی را در ساخت میدان تأثیر پذیر دانسته‌اند.

مأخذ: نویسندگان

در جدول فوق، پاسخ‌های متخصصین در برخی سئوالات با پاسخ‌های افراد عادی قدری متفاوت است. برای مثال، ۸۶٪ افراد متخصص به دفعات از میدان نقش جهان بازدید داشته‌اند در حالی که این آمار برای افراد عادی ۷۸٪ می‌باشد. این بدین معناست که افراد متخصص و تحصیلکرده گرایش بیشتری به بازدید مکان‌های تاریخی دارند. همچنین متخصصین (۹۱٪)، محصوریت و تاریخی بودن میدان را بیشتر از افراد عادی (۷۶٪) در زیبایی آن مؤثر می‌دانند. در حقیقت زیبایی میدان از طریق فضای محصور

آن آفریده می‌شود (Whitik, 1996)، و این داده را جان لنگ و راب کریر در تئوری خود محصوریت میدان را به عنوان یک اصل زیباشناسی در شهرسازی مطرح کرده‌اند. در مقابل افراد عادی (۷۳٪)، تأثیر عامل پویایی را در زیبایی میدان بیشتر از متخصصین (۴۷٪) نمره داده‌اند. هرچند پویایی از نظر متخصصین در بستر نظم و تعادل فضایی تفسیر می‌شود. نظم و تعادلی که اجزاء محیط در عین اینکه متنوع هستند، به شکل منظمی در کنار یکدیگر چیده شده‌اند. در واقع پویایی و زیبایی مکان از دید مردم بیشتر رنگ کارگردگرایانه‌تر و واقعی‌تری دارد تا متخصصین. مؤلفه‌های محصوریت، نظم میدان و ابعاد هندسی آن که در نظر متخصصین نسبت به مردم عادی نمره بیشتری کسب کرده است بیانگر این نکته می‌باشد که تأثیر معیارهای هندسی مکان در حس زیباشناختی از نظر متخصصین دارای وزنه سنگین‌تری نسبت به مردم عادی می‌باشد. همچنین نقش نمادها و نشانه‌های میدان، و تأثیر آنها در تداعی خاطره‌ها در برانگیختگی حس زیباشناختی از مکان (حس مکان نوربرگ شولتز) در نظر متخصصین از اهمیت بیشتری نسبت به مردم عادی برخوردار می‌باشد.

در تصور پاسخگویان از میدان، محصوریت و وسعت در میان سایر شاخص‌ها از وزن بالاتری برخوردارند. محصوریت میدان که اجزاء خود را در یک فضای مشترک در بر گرفته است حکایت از یک وحدت در عین کثرت دارد که اندیشه فلسفی وحدت وجود و کثرت معنای ملاصدرا را اثبات می‌کند. برای اینکه این مشاهده و یافته را به ارتباط منطقی در قالب یک تئوری بخواهیم بیان کنیم لازم است آن را با یک مدل دیاگرام علت و معلولی نشان دهیم. چراکه فضای شهر مملو از روابط علت و معلولی بین پدیده‌های محیطی است.

### محصوریت میدان

### زیبایی

همان‌گونه در دیاگرام علت و معلولی فوق مشاهده می‌شود محصوریت میدان نقش جهان، طبق داده‌های پرسشنامه بر زیبایی آن تأثیر مستقیم دارد (تئوری جان لنگ). و دیگر اینکه بیش از ۹۰٪ کل افراد هماهنگی بین اجزاء میدان را در زیبایی آن مؤثر دانسته‌اند و بیش از ۸۱٪ نیز ابعاد و نسبت‌های هندسی میدان (طول، عرض، ارتفاع) را متناسب با زیبایی آن ارزیابی کرده‌اند.

### تناسب و هماهنگی در نسبت‌ها

### زیبایی میدان

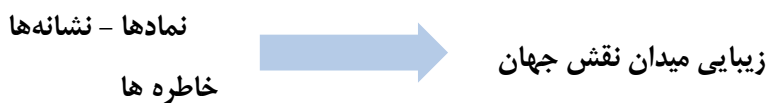
بنابراین، نسبت‌های هندسی میدان بر تناسب و هماهنگی آن اثر گذاشته و تناسب نیز موجب ایجاد حس زیباشناسانه در ادراک ناظرین از میدان می‌شود.



بیش از ۸۱٪ کل افراد نظم موجود بین عناصر ظاهری میدان و ارتباط اجزاء آن را با کل، در زیبایی میدان دخیل می‌دانند. همچنین بیش از ۶۹٪ از پاسخگویان فرم و محتوای میدان را با زیبایی آن مرتبط دانسته‌اند. این میزان از گرایش نشان می‌دهد که تناسب و هماهنگی نه تنها در اندیشه فلسفی بنیانگذاران اندیشه مکتب شهرسازی اصفهان بلکه در ساختار کالبدی نقش جهان نیز نقش مهمی در زیباشناسی دارد.



۵۴٪ از پاسخگویان نشانه‌هایی که در قالب فرم و ارتباط آنچه که با محتوی می‌تواند داشته باشد، پاسخ مثبت داده‌اند و اگر میزان اثرگذاری خاطره‌ها از مکان را در قالب مفهومی معنای مکان تلقیق نماییم این مقدار به بیش از ۸۰٪ می‌رسد. این مهم تأییدی است بر نظریه معنای مکان و بازتاب آن در خاطره‌ها که در نظریه نوربرگ شولتز آمده است.



۶۷٪ از افراد عادی و ۸۹٪ از متخصصین، ساخت میدان نقش جهان را متأثر از اندیشه‌های شیخ بهایی و سایر اندیشمندان در مکتب شهرسازی اصفهان دانسته‌اند.



اصول وحدت، درک شهودی، تعادل، توازن، تناسب، هماهنگی، ساده‌گی و پیچیده‌گی، از عوامل ساختاری فلسفه مکتب الهی اصفهان بوده که در تعیین بخشیدن به

شهرسازی و معماری دوران صفویه نقش داشته‌اند. در حقیقت، مکتب شهرسازی اصفهان به تبع جهان بینی حاکم بر دوران خود، به وحدت بیانی دست یافته بود همان‌گونه که **کوبن لینچ** در درک یکپارچه مردم از سیمای شهر بر آن تأکید کرده است به گونه‌ای که کل مجموعه نقش جهان در یک نگاه قابل درک می‌گردد. مقیاس‌های انسانی اندازه‌ها، احجام، گشوده‌گی‌ها، تو رفتگی و جلو آمده‌گی‌ها، بیانگر وحدت آرمانی هستند که ویژگی‌های خود را متعین نموده‌اند. در مجموعه شهر، محله، و میدان، در مقیاس گذرها و معابر از یک نظم باطنی حکایت می‌کنند و شخصیت مکان را شکل می‌دهند (**تئوری جان لنگ**).

ترجمه کالبدی فلسفه رنسانس از وحدت آرمانی اومانیسیم شروع می‌شود در تنوع هنری شهر اوج می‌گیرد و نمونه آن را در کلیت میدان سنت پیتر خلق می‌کند: در میدان سنت پیتر همانند همزادش میدان نقش جهان، همه چیز در حالت اعتدال است. میدان عظیم سنت پیتر به عنوان یک فضای عمومی محصور شده شهری با وجود قد برافراستگی تلاش بر تسلط کل جهان را دارد این دو با دعوت از همه عالم، و هضم آن در فلسفه آرمانخواهی، به خوبی به بیننده این حس را القا می‌کنند که فضای شهری دوره رنسانس و عصر صفویه تعالی طلباند و تأکیدی‌اند بر اینکه کالبد شهر و بناها، ترجمان اندیشه‌های زیباشناختی و فلسفی دوران خود می‌باشند.

همانگونه که از مدل مفهومی فوق بر می‌آید: انسان با تأثر از عظمت کیهانی و نظم طبیعت و برای فهم آنها، فلسفه را به وجود می‌آورد. فلسفه، چگونگی آفرینش در عالم هنر را در ذهن هنرمند خلق می‌کند. انسان هنرمند با تأثر از اندیشه‌های فلسفی که جهان بینی او را شکل می‌دهند، دست به خلق آثار هنری، و در حوزه شهرسازی و معماری به خلق فضاها و مکان‌های شهری مبادرت می‌نماید. بنابراین، بدون نظام معنایی، نظام زیباشناختی حاصل نمی‌شود.

جدول ۴. ویژگی‌های فلسفی و کالبدی زیباشناختی در دوره رنسانس

ویژگی‌های فلسفی	ویژگی‌های کالبدی
انسانگرایی (اومانیسیم)	انسان کانون طراحی است
الویت به زیبایی در هستی	الویت به زیبا سازی فضاهای عمومی شهری
تعالی طلبی، بزرگی و عظمت کیهانی	ساخت بناهای عظیم و باشکوه
اعتقاد به ریتم، نظم در کائنات	خیابان‌های شطرنجی و مستقیم
اعتقاد به دقت در کائنات	تأکید بر پرسپکتیو در طراحی شهری
تکریم خدا، طبیعت و انسان در یک مفهوم بسته و سیکل وار	میدان و فضاهای بسته در شهرسازی، انسداد مناظر

استفاده از فرم‌های هندسی، مجسمه‌های یادمانی و پیوستگی فضاهای شهری	همه پدیده‌ها دارای وحدت، پیوسته و یادمانی‌اند
تنوع فضایی با رعایت سلسله مراتب(ساختمان‌های دولتی، خانه‌های مجلل، کلیساها، بیمارستانها، مراکز تفریحی، آموزشی، میدان‌ها و...)	اعتقاد به تنوع پدیده‌ها در خلقت

مأخذ: نویسندگان

همان‌گونه که از جدول فوق بر می‌آید ساخت فضاهای شهری و کالبدی میدان سنت پیتر به عنوان یک نمونه مورد مطالعه در دوره رنسانس همانند ویژگی‌های کالبدی میدان نقش جهان اصفهان با ویژگی‌های فلسفی آن دوران همخوانی دارد.

### نتیجه‌گیری

با تأثیرپذیری شهرسازی از مدرنیسم و تغییر مفهوم زیباشناختی، شهرسازی و معماری ما دچار یک نوع ناهمگونی بصری در زیباسازی فضاهای شهری شده است. این ناهمگونی و آشفتگی بر ادراک فضایی شهروندان از معنای مکان نیز اثر منفی گذاشته است. با طرح سؤال اصلی مقاله، فرضیه پژوهش تعیین گردید و براساس آن چارچوب نظری که تلفیقی از نظریات صاحب‌نظران مختلف بود، تدوین شد. سپس بر اساس داده‌های مستخرج از پرسشنامه، مشخص شد که قواعد شهرسازی و معماری از معیارهای خاص زیباشناختی مانند محصوریت، نسبت‌های هندسی اجزاء، عناصر ظاهری و ارتباط آنها با فرم، نظم و هماهنگی پیروی می‌کنند، و با تحلیل اندیشه‌های فلسفی و ارتباط آنها با عناصر کالبدی به این نتیجه رسیدیم که چگونه اندیشه‌های زیباشناسی بر ساخت فضاهای شهری تأثیر می‌گذارند. با استناد به روش تبیین تاریخی و تحلیل محتوی اندیشه‌های فلسفه زیباشناسی و ارتباط آن اندیشه‌ها با کالبدفضاهای شهری در دو مقطع تاریخی(شهرسازی در دوران صفویه و دوران رنسانس) دانستیم که زیباسازی فضاهای شهری، بدون نظام معنایی یا پشتوانه فلسفی محقق نخواهد شد.

دریافتیم که ویژگی‌های فلسفی دوره رنسانس از قبیل طبیعت محوری، عظمت، بزرگی، ریتم، نظم هندسی، دقت و آرمان‌گرایی، با آثار کالبدی به‌جای مانده از رنسانس در میدان سنت پیتر همخوانی‌هایی دارد که مشابه آن نیز در مکتب الهی اصفهان با ویژگی‌های ساخته شده در شهرسازی و معماری سبک اصفهان و میدان نقش جهان به عنوان یک فرآیند مشاهده می‌شود: در این فرآیند ابتدا محتوای واژگان فلسفی از اندیشه فیلسوفان، از دنیای ذهن به شهر، میدان و محله آمده، مکانها را به هنری‌ترین و شیواترین

شکل می‌آراید و سپس در چارچوب محدود مادی "اشکال، حجم، توده" و یا "فرم، فضا، شهرسازی، معماری" در قالب ستون‌ها و احجام، تبلور کالبدی یافته و دوباره اوج گرفته و در هر مرحله، خود را در "ذهن" تکامل داده و در "عین" به شکلی دیگر تغییر کرده و در اشکال، فرم‌ها و فضاهاى جدیدتری ظاهر می‌شود. در آخر، شهر نه تنها براساس عملکردهای شهری، بلکه براساس تفکرات زیباشناسانه و هنری هم می‌تواند برنامه‌ریزی و طراحی شود. بنابراین، اگر امروزه در زیباسازی شهرهایمان دچار آشفتگی هستیم ریشه آن را باید در فقر یک نظام معنایی و فقدان عناصری بدانیم که در ایجاد زیباسازی شهری ماندگار سهیم‌اند: عناصری مانند فلسفه و اندیشه‌های زیباشناسی، هنری تعالی بخش و آرمانی.



**منابع و مأخذ:**

۱. آنامرادنژاد رحیم. ۱۳۹۰. مقدمه‌ای بر میدان‌های شهری. بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران.
۲. اردلان نادر، لاله بختیار. ۱۳۹۴. حس وحدت - نقش سنت در معماری ایرانی، ترجمه ونداد جلیلی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات علم معمار.
۳. اسکراتن راجر، هاسپرز جان. ۱۳۷۹. فلسفه هنر و زیباشناسی. ترجمه دکتر یعقوب آزند. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بحرینی حسین، حسین خسروی. ۱۳۹۳. راهنمای طراحی فضاهای شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. بنتلی‌ای یین و همکاران. ۱۳۹۶. محیط‌های پاس‌سخته. ترجمه دکتر مصطفی بهزادفر. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
۶. بنه ولو لئوناردو. ۱۳۹۴. تاریخ معماری رنسانس. ترجمه علی محمد سادات افسری. جلد دوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
۷. پاکزاد، جهان‌شاه. ساکی، الهه. ۱۳۹۳. تجربه زیباشناختی محیط. نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی شماره ۳.
۸. پیرنیا محمد کریم، معاریان غلامحسین. ۱۳۷۴. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۹. تاتارکیویچ ووادیسواف. ۱۳۹۴. تاریخ زیباشناسی. ترجمه: محمود عبادیان، سید جواد میرفندرسکی. تهران انتشارات: نشر علم.
۱۰. جان لنگ. ۱۳۸۶. طراحی شهری. ترجمه دکتر سیدحسین بحرینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. حبیبی سید محسن، ۱۳۷۷. مکتب اصفهان در شهرسازی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. مجله هنرهای زیبا، شماره ۳.
۱۲. رنه ولک. ۱۳۸۸. تاریخ نقد جدید. ترجمه سعید ارباب شیرانی. جلد نخست. تهران: انتشارات نیلوفر.
۱۳. رفیع پور، فرامرز. ۱۳۸۲. تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

۱۴. زیته کامیلو. ۱۳۸۸. ساخت شهر براساس مبانی هنری. ترجمه دکتر فریدون قریب. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. ژیمنز مارک. ۱۳۸۷. زیباشناسی چیست. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: انتشارات نشر ماهی.
۱۶. شولتز، کریستین نوربرگ. ۱۳۹۴. روح مکان بسوی پدیدارشناسی معماری. (چاپ پنجم). تهران: انتشارات رخ دادنو
۱۷. شکوهی حسین. ۱۳۷۷. دیدگاه های نو در جغرافیای شهری. جلد اول. تهران: انتشارات سمت
۱۸. قبادیان وحید. ۱۳۹۴. سبک شناسی و مبانی نظری معماری معاصر ایران. چاپ سوم. تهران: انتشارات علم معمار رویال.
۱۹. کربن هانری. ۱۳۹۲. آفاق تفکر معنوی اسلام ایرانی. ترجمه داریوش شایگان، باقر پرهام. تهران: انتشارات فروزان روز.
۲۰. کروچه بندتو. ۱۳۸۸. کلیات زیباشناسی. ترجمه فواد روحانی. چاپ سوم. ص ۷۲، ۱۵۹.
۲۱. گروت لیندا، وانگ دیوید. ۱۳۹۴. روش های تحقیق در معماری. ترجمه دکتر علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. گاردنر هلن. ۱۳۸۴. هنر درگذر زمان. ترجمه محمدتقی فرامرزی. چاپ ششم. تهران: موسسه انتشارات آگاه.
۲۳. گروتر یورگ کورت. ۱۳۹۳. زیبا شناسی در معماری. ترجمه مجتبی دولتخواه و سولماز همتی. تهران: انتشارات کتاب آبان.
۲۴. لوکاج گئورک. ۱۳۷۳. پژوهشی در رئالیسم اروپایی. مترجم اکبرافسری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. لینچ کوین. سیمای شهر. ترجمه دکتر منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۹۵.
۲۶. ملاصدرا صدرالدین محمد بن ابراهیم الشیرازی. ۱۳۵۴. المبدأ و المعاد. ترجمه سید جلال الدین آشتیانی. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

۲۷. مدنی پور علی. ۱۳۹۲. طراحی فضای شهری. مترجم فرهاد مرتضایی. تهران: انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
۲۸. میتو کارمونا، تیم هیت تتراک، استونن تیسدل. ۱۳۹۴. مکان‌های عمومی فضاهای شهری. ترجمه اسماعیل صالحی و دیگران.
۲۹. نصر سید حسین. ۱۳۷۵. هنر و معنویت اسلامی. ترجمه رحیم قاسمیان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۰. نوربرگ شولتز کریستیان. ۱۳۹۳. معنا در معماری غرب. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. چاپ پنجم. تهران: انتشارات چاپ و نشر شادرنگ.
۳۱. وینترز ادوارد. ۱۳۹۶. زیبایی شناسی و معماری. ترجمه عبدالله سالاروند. تهران: انتشارات نقش.

32. Anamoradnezhad. R.(2012). Introduction to Urban Squares. Mazandaran. Babolsar: Mazandaran University Publications. (In Persian)
33. Ardalan, N. & Bakhteyar, L. (2016). The Sense of Unity-The Role of Tradition in Iranian Architecture. (5<sup>th</sup> Ed.). Translation by Vandad Jalili. Tehran: Elme Memar Publications. (In Persian)
34. Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
35. Bahraini, H. & Khosravi, H. (2015). Urban design Guide. Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
36. Benevolo, L. (2015). The History of Renaissance Architecture. Translation by Ali M.S.Afsari. Second V. Tehran: Niloofar Publications. (In Persian)
37. Carbin, H. (2014). Iranian Spiritual Thought. Translation by Dariush Shayegan & Bagher Parham Tehran: Forozaan publicaions. (In Persian)
38. Croce, B. (2010). General Aesthetics. Translation by Fouad Rouhani. 3<sup>th</sup> Ed. Tehran: Scientific & Cultural Company Publications. (In Persian)
39. Cuthbert, R.A. (2006). The Form of Cities. Sydney-Australia: Blackwell Publishing Ltd.

40. Desmet, P. (2004). From Disgust to Desire: how products elicit emotions, published in design and emotion proceedings. London: Taylor and Francis Publications.
41. Ghobadian, V. (2016). Theories and Styles in Contemporary Iranian Architecture. (3<sup>th</sup> Ed.). Tehran: Royal Academy of Science Publications. (In Persian).
42. Grote, L. & Wong D. (2016). Research Methods in Architecture. Translation by Ali Reza Einifar. Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
43. Grutter, G.C. (2015). Architecture Aesthetics. Translation by Mojtaba Dolatkah & Solmaz Hemmati. Tehran: Aban Book publications. (In Persian)
44. Habibi, S.M. (2000). Esfahan School in Urban Development. Tehran: Fine Arts- Architecture and Urban Design Journal. No. 3.
45. Jimenez, M. (2010). What is Aesthetics? Translation by Mohammad Reza Abolghasemi. Tehran: Mahi Publicationms. (In Persian)
46. Lang, J. (2008). Urban Design. Translation by Seyed H. Bahraini. Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
47. Lukacs, G. (1996). Research in European Realism. Translation by Akbar Afsari. Tehran: Scientific & Cultural Publications. (In Persian)
48. Lynch, K. (2017). City Image. Translation by Manouchehr Mozayani. Tehran: Tehran University publications. (In Persian)
49. Madanipour, a. (2012). Urban Design. Translation by Farhad Mortazai. Tehran: Information & Communication Technology Organization of Tehran Municipality Publications. (In Persian)
50. Mito, C. Team, H & Tetra, S. Public Spaces of Urban Spaces. Translation by Ismail Salehi . Mahshid Shokohi& Zahra Ahari. Tehran: Art University. (In Persian)
51. Mulla Sadra, Sadrod-Din Muhammad bin Ibrahim Al-Shirazi (1976). Origin and Resurrection. Translation by Jalaluddin Ashtiani. Tehran: The Society of Wisdom and Philosophy of Iran publications. (In Persian)

52. Nasr, S. h. (1998). *Islamic Art and Spirituality*. Translation by Rahim Ghasemian. Tehran: Islamic Tablighat Organization. (In Persian)
53. Norberg, Schulz, C. *Meaning in Western Architecture*. Translation by Mehrdad Ghayyumi. 5<sup>th</sup> Ed. Tehran: Shardang Publications. (In Persian)
54. Pakzad, J. & Sdaki, E. (2016). Aesthetic experience of the environment. Tehran: Fine Arts- Architecture and Urban Design Journal. Number 3. (In Persian)
55. Pirnia, M.K. & Memarian, Gh. (1998). *Islamic Architecture of Iran*. Tehran: University of Science and Technology Publications. (In Persian)
56. Rafipour, F. (2004). *Specific Research Techniques in the Social Sciences*. Tehran: Sahami Publications Co. (In Persian)
57. Scurton, R. (2001). *Philosophy of Art and Aesthetics*. Translation by Yaghoub Azand. Tehran: Tehran University publications. (In Persian)
58. Sitte C. (2010). *Building the City Based on Artistic Foundations*. Translation by Fereydoun Gharib. Tehran: Tehran University Publications. (In Persian)
59. Shokohi, H. (2000). *New Perspectives on Urban Geography*. First vol. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
60. Tatarikewich, W. (2016). *The History of Aesthetic*. Translation by Mahmoud Ebadian & Seyed Javad Mirfenderski. Tehran: Nashre Elm Publications. (In Persian)
61. Trancik, R. (1986). *Finding Lost Space: Theories of Urban Design*. New York: Van Nostrand Reinhold Publications
62. Winters, E. *Aesthetics and Architecture*. Translation by Abdullah Salarwand. Tehran: Naghsh publications. (In Persian)
63. Wellek, R. (2010). *The History of Modern Critique*. Translation by Saeed Arbab Shirani. First Vol. Tehran: Niloufar Publications. (In Persian)
64. Whitik A. (Edi). (1974). *Encyclopedia of urban planning*. New York: McGraw Hill.
65. Zuker Paul. (1970). *Town and Square*. Ney York: Columbia University Publications

